

بله صاحب محکم بن شد
بر این سراسر مدتر منم
منم هفت و دوازده جملک
منم اول و نیز آخر منم
نبد هیچ کور بودم بکورا
همایود لوح قلم در عدم
منم صاحب اولتیم از ل
ز منم استعجابی و جبار منم
نبد آخ ز فغان آسمان زمین
عیان راز قالی بدایع نمود
ز آینه در رفت بسیار گفت
کسر کل احوال ز کس کند

بهم

ندیم چو در خرد آخ آدم
که گفتند صفای نفاق
بفین گوید او باندش در نیت
همه اند از این قول شاه شویید
که گوید علی نور محلو قیم
که گوید به مرا غیر رایع
ایا طالبان طریقی هدا
نخستین بگویم که راه طلب
ز بهنار زوفی نوشید مر
از این جام پیشتر کس کند
بر کسان سخنان به شوکت
بدل از کس کرده در کجا

چو بسیار ترک عجب کرد
گرفته در آینه زنگ نفاق
که بر خفا علی استه ربانیت
به هنگام حاجت نهادند امید
بیم خدای عید مرزد قیم
بر او باد بعد حق و لاعنیین
که همیشه جبار راه خدا
نمایید و سواد در کار
بصهار تحفیه آرید چه
سر را حقیقت بگو کند
ز هر زرد و سر زرد
بند به هر سرخ و لبر کجا